



فضاهای پیراشهری: الگوها، عوامل و پسايندها

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۹

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۵/۲۸

صفحات: ۱-۱۸

حسن افراخته؛ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده

این مقاله نخست، مفهوم پیراشهر را از دیدگاه‌های مختلف بررسی کرده است. آنگاه، الگوهای مختلف پیراشهری از نظر ساختار جمعیتی، انگیزشی و کارکردی تجزیه و تحلیل شده است. سپس، عوامل ایجاد و گسترش پیراشهر و نیز پیامدهای گسترش فضاهای پیراشهری مطالعه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که افزایش جمعیت، رشد شتابان شهرنشینی و خزش شهری عامل آشکار تولید فضاهای پیراشهری است. اما شکل و گوناگونی فضاهای پیراشهری وابسته به روندهای اجتماعی، اقتصادی رایج در کشورها است. روندهای اجتماعی، اقتصادی نابرابر ساز و حذف اجتماعی نقش اصلی در تنوع اشکال پیراشهری به عهده دارد. در اقتصاد شبکه‌ای همراه با تکنولوژی اطلاعات، در مرهم نتولیرالیسم اقتصادی نمی‌توان انتظار بهبودی در وضع موجود داشت، چیزی که به وسیله اروپای شمالی و نیز کشورهای پشت کرده به نظام‌های با برنامه‌ریزی مرکزی، به وضوح نشان داده شده است. تا دهه ۱۹۹۰، تحلیل و برنامه‌ریزی شهر و پیرامون آن مبتنی بر رویکرد تفکیک عناصر و عوامل اثر گذار بر دگرگونی بود که مدیریت یکپارچه شهر و محیط پیرامون را دشوار می‌ساخت. این نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی جامع شهری-منطقه‌ای نمی‌تواند تنها بر رویکرد تحلیل فضایی و پوزیتیویستی متکی باشد. ترکیب مناسب روش‌ها و در نظر گرفتن روندهای سیاسی، تاریخی، اجتماعی و اقتصادی در برنامه‌ریزی است که می‌تواند موجب بهبودی در وضعیت موجود شود. سیستم اداره و نظارت امور باید ساختار نهادی را به گونه‌ای سامان دهد تا در عین حال که راه را برای ابتکارات شخصی و انگیزش‌های فردی سد نکند، تلاش‌های افراد و سازمان‌ها در مسیر حداکثرسازی منافع، با منافع بلند مدت و مصالح توسعه ملی هم راستا باشد.

واژه‌های کلیدی:

فضاهای پیراشهری، ساختار جمعیتی، انگیزشی و کارکردی، روندهای حذف اجتماعی، پیامدهای فضایی.



روابط شهر و روستا از قرن نوزدهم، موضوع تأملاتی بسیار، بوده است. شهرها بعد از انقلاب صنعتی بر نواحی پیرامونی خود فشار آورده‌اند. وضع تدافعی روستاها در برابر تعدیاتی ناشی از نفوذ و تسلط صنایع و شهرنشینی و یا گسترش راه‌های ارتباطی، وجهی دیگر از مناسبات شهر و روستا تلقی می‌شود که به نوبه خود از زمره بلعندگان فضا به حساب می‌آید. درگیری و تخاصم به ویژه در فضاهای حاشیه شهری بیشتر محسوس است. این وضعیت بیشتر بدان سبب زیان بار می‌نماید که فضاهای روستایی، به موازات نقش سنتی خود در تولیدات کشاورزی، فضاهای زیستی و تفریحی نیز به شمار می‌آیند (برنارشاریه، ۱۳۷۳: ۲۴۳). به همین دلیل، از نیمه اول قرن بیستم طرفداران شهر و روستا در مقابل یکدیگر قرار داشتند و دو مکتب متضاد فکری "طرفداران شهر" و "هوداران روستا" را تقویت می‌کردند (داودی، ۲۰۰۸: ۱۱-۱).

مانوئل کاستلز در خصوص سازماندهی فضا در جامعه سرمایه‌داری اعتقاد دارد که "تسلط نظام اقتصادی، اساس سازماندهی فضایی را تعیین می‌کند و این فعالیت‌های اقتصادی‌اند که سازماندهی فضا را به عهده دارند (افروغ، ۱۳۷۷). از نظر هاروی "درک فضا با تمام پیچیدگی‌هایش مستلزم درک و شناخت فرآیندهای اجتماعی است و درک و شناخت فرآیندهای اجتماعی با تمام پیچیدگی‌هایش مستلزم درک اشکال فضایی است. شهرنشینی را می‌توان شکل یا الگوی خاصی از پویای اجتماعی به شمار آورد. شهر به عنوان محیطی محسوس و مصنوع، محصولی اجتماعی است. بنابراین فرآیندهای اجتماعی و اشکال فضایی حاصل از آن، واقعیات لاینفک از یکدیگرند و سیمای فضایی مکان در واقع منعکس کننده روابط اجتماعی حاکم بر آن است" (شبلینگ، ۱۳۷۷). این مسئله سبب شده که در ادبیات مطالعات شهری چین، شهرنشینی اغلب به عنوان روندی از تحول فضا و روابط اجتماعی تلقی شود (کلف، ۲۰۱۳: ۲۳-۱۳). نیمه دوم قرن بیستم شاهد تجدید ساختار شکل شهری بوده که حاصل ظهور مناطق شهری چند مرکزی بوده است و طی چهار مرحله توسعه شهری صورت گرفته است: شهرنشینی^۱، حومه‌نشینی^۲، ضد شهرنشینی^۳ و بازسازی^۴. در همین دوره، بسیاری شهرهای اروپای غربی و آمریکا، الگوی توسعه گریز از مرکز^۵ را تجربه کرده‌اند که نخست به توسعه حومه کمک کرده، آنگاه به مرحله ضد شهرنشینی انجامیده است (دمبسکی، ۲۰۱۷: ۲۱۹-۲۴۴).

هدف اصلی این مقاله آن است که تنوع فضایی پیراشهر در سطح جهانی، عوامل و عواقب آن را تبیین نماید. در همین راستا، نخست مفهوم پیراشهر از نظر می‌گذرد، آنگاه، الگوهای مختلف پیراشهری تحلیل می‌شود. عوامل ایجاد و گسترش پیراشهر گام بعدی مقاله را تشکیل می‌دهد که از پس آن، ارائه عواقب فضایی گسترش پیراشهری و نتیجه‌گیری نهایی پایان بخش مقاله خواهد بود.

¹ Cliff, Tom

² Urbanization

³ Suburbanization

⁴ Counterurbanisation

⁵ Reurbanisation

⁶ Centrifugal

۱- مفهوم پیراشهر

در فرهنگ‌نامه جغرافیای انسانی (۱۹۹۴: ۶۰۴)، تحت عنوان حومه، پیراشهر را "بخشی در منطقه رفت و آمد یک ناحیه شهری تعریف کرده که اغلب در قلمرو سیاسی متمایزی از شهر قرار دارد". این واژه در تشریح اشکال مختلف جوامع و چشم‌اندازهایی به کار می‌رود که برخی تنوع آن، منعکس‌کننده مراحل مختلف توسعه حومه است. کاربرد واژه جدید روستانشینی شهری^۱ در دهه ۱۹۶۰ در پاسخ به استقرار افراد در کومون‌های روستایی رواج یافت. این پدیده بیشتر خاص کشورهای توسعه‌یافته غربی است (شاریه، ۱۹: ۱۳۷۳)، اما در کشورهای در حال توسعه که زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی نابسامان دارند، یا جمعیت شهری آن‌ها از امکانات زیستی کافی برخوردار نیستند، نیز این پدیده به گونه دیگری مشاهده می‌شود که شکل، ابعاد و عواقب آن متفاوت است (سعیدی، ۱۳۷۷: ۱۲۵).

بنا به تعریف سازمان توسعه‌ی همکاری‌های اقتصادی^۲، در سال ۲۰۰۷، واژه‌ی "پیراشهر" در دهه ۸۰ میلادی، در اروپا وارد عرصه عمومی شده و مورد کاربرد وسیع قرار گرفته است. این سازمان برای این مناطق، اصطلاح "مناطق خاکستری" را به کار می‌برد (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶۱-۳۷۸).

پدیده پیراشهری در اروپا و مفهوم جدیدی از پیوندهای روستا-شهری در پروژه‌ای با عنوان (روابط کاربری زمین پیراشهری)^۳، از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ با همکاری ۱۴ کشور اروپایی، چین و همراهی دانشگاه کپنهاگ مطرح می‌شود که چشم‌اندازی بلند مدت برای توسعه نواحی پیراشهری تبیین می‌کند. توسعه پیراشهری ضرورتاً به توسعه کالبدی با ویژگی‌های شهری محدود نیست بلکه از طریق ظهور ویژگی‌های شهری در نواحی روستایی مانند خانه دوم ویلایی نیز مشخص می‌گردد. این چنین دگرگونی ساختار شهری که بیرون از شهر رخ می‌دهد را پیراشهرنشینی تعریف می‌کنند. بنابراین، در اینجا، ایده پیوستگی روستا-شهری^۴ مطرح می‌شود.

به اعتقاد کاظمیان و همکاران ایشان (۱۳۹۷: ۳۶۱-۳۷۸)، پیراشهر واجد شرایط خاصی است که آن را از مناطق شهری و روستایی متمایز می‌سازد، از جمله این شرایط، شتاب گسترش کاربری‌های مسکونی و تجاری شهری و کاهش فعالیت‌های روستایی، رشد سریع ولی بدون برنامه، خدمات‌رسانی زیرساختی ناکافی، ساکنانی با درآمد کم و متوسط رشد بازارهای داد و ستد است.

طبق تعریف سعیدی (۱۳۸۴: ۷۱-۹۰) نوعی فضای پیراشهری موسوم به روستانشینی شهری، فضایی است که به معنای سنتی نه مشخصات کاملاً شهری دارد و نه از ویژگی‌های اصیل روستایی برخوردار است بلکه ضمن تفاوت‌ها، برخی ویژگی‌های اغلب منفی هر دو عرصه را داراست.

بنا به اظهار دانشپور و همکاران ایشان (۱۳۸۵)، وقتی جمعیت افزایش می‌یابد و شهرنشینی شتاب می‌گیرد، از رویارویی "شهر- روستا- طبیعت"، در محیط پیرامونی شهرها، فضاهای جدید سکونتی ایجاد می‌شود که به شدت

^۱Rurban^۲OECD^۳Peri-urban land use relationships^۴urban-rural continuum

تحت تأثیر فعالیت‌های شهری قرار دارد. این گونه فضاهای سکونتی، پیراشهر نامیده می‌شود. کناره و لبه شهری^۱ مکان دخالت فعالیت‌ها، سازمان‌ها، مناظر شهری و روستایی و نیز گذار از نواحی روستایی به شهری، فرآیند پیراشهرنشینی^۳ را شکل می‌دهد (دانشپور و دیگران، ۱۳۹۵).

پیوستار پیشروی شهر تا جایی که از میزان اثرگذاری شهر بر روستا و طبیعت کاسته شده و اثرات شهری دیگری پدیدار شود، ادامه یافته و محیطی به وجود می‌آورد که حاصل در هم آمیختن رویارویی سیستم‌های شهر-روستا-طبیعت و یا برخوردگاه شهر و روستا است. پدیده پیراشهرنشینی با اثراتی چون افت شتابان محیطی، دگرگونی بدون برنامه کاربری زمین و کمبود شدید خدمات، فضایی موسوم به "روستا شهرنشینی" را ایجاد می‌کند که از ویژگی‌های اصیل روستایی برخوردار نیست و شاخص‌های استاندارد شهری را نیز در بر ندارد (دانشپور، ۱۳۸۵). توماس^۴ (۱-۲۰۰۵: ۷)، معتقد است که بحران شهرها به شکل گیری و گسترش روستا نشینی شهری کمک می‌کند. در شرق آسیا، پیراشهرنشینی سبب شده که روستاهای پیرامونی از نظر ساختار اقتصادی، اجتماعی و کالبدی، ویژگی شهری پیدا کند؛ اقتصاد روستاها از کشاورزی به صنعت و کاربری‌های مختلط تغییر یابد؛ و ارزش زمین افزایش یابد (وبستر، ۲۰۰۳).

در اندونزی، پیراشهر ناحیه‌ای درون منطقه گسترش یافته کلانشهر است که با هم زیستی فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی مشخص می‌شود، در آنجا با استفاده از وسایل حمل و نقل، تلفیق فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی میسر شده است در نتیجه جمعیت به شدت سیال است (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۵-۳۳).

بنابر تعاریف فوق می‌توان چنین استنباط کرد که پیراشهر فضایی پیرامون شهرهاست که ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی، کالبدی و کارکردی آن بر حسب سیستم‌های اقتصادی اجتماعی و سطح توسعه ناظر بر شهرها متفاوت است.

۲- الگوهای مختلف فضاهای پیراشهری

الگوهای مختلف فضاهای پیراشهری تابعی از الگوی توسعه شهرهاست و توسعه شهرها از نظام‌های حاکم اجتماعی و اقتصادی تبعیت می‌کند. "پیر ژرژ"^۵ جغرافیدان مشهور فرانسوی، شهرها را بر حسب سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی به شرح زیر طبقه‌بندی کرده است:

نخست، شهرهای کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری که خود به سه گروه قابل تفکیک است:

الف، شهرهای اروپای غربی و ژاپن، با گوناگونی بسیار، سابقه تاریخی غنی و فعالیت‌های متعدد ناشی از رشد اقتصاد سرمایه‌داری؛

ب، شهرهای آمریکای شمالی و استرالیا در محدوده رشد سرمایه‌داری و نوساز که در آن عظمت معماری و شهرسازی آمریکا بسیار زیاد است ولی استرالیا و نیوزیلند بر تمدن شهرسازی انگلستان وفادار مانده‌اند؛ و

^۱ Peri-Urban- Urban peripheral Area

^۲ Urban Fringe & Urban Edge

^۳ Peri-Urbanization Process

^۴ Tomas

^۵ Webster

^۶ George. P

ج، شهرهای اتحاد جماهیر شوروی سابق و جمهوری‌های متحد، که در آن‌ها نقش بازرگانی کم رونق بود و در جغرافیای محله‌های شهری، اختلاف و تمایزات طبقاتی دیده نمی‌شد اما آپارتمان‌ها با در نظر گرفتن شغل افراد واگذار می‌شد.

دوم، شهرهای کشورهای رو به رشد که به چند گروه تقسیم می‌شود:

الف، شهرهای خاورمیانه و نزدیک با آثاری کهن؛

ب، شهرهای آفریقای سیاه با شهرگرایی ضعیف و آثاری از نفوذ اروپاییان؛ و

ج، برخی شهرهای آمریکای لاتین در فلات آند، و نیز شهرهای نوساز با سبک معماری آمریکای شمالی و تضاد عمیق اجتماعی (فرید، ۱۳۶۸: ۵۳۲-۵۳۶).

بدیهی است که هر یک از نظام‌های شهری مزبور، از روند توسعه‌ای پیروی کرده و الگوهای متفاوت پیراشهری را ارائه می‌نماید که ویژگی‌های هر یک بر حسب نظام‌های اجتماعی اقتصادی در سه بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۲- پیراشهر در نظام‌های سرمایه‌داری پیشرفته

پیراشهرنشینی دارای مشخصه‌هایی است که در اینجا از سه بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد:

نخست، جمعیت‌شناسی:

حومه‌نشینی شهری جریان برون ریزی طبقه بالای ساکن مرکز شهری به سوی لبه شهری است. از این رو، حاشیه شهری کشورهای توسعه یافته غربی اغلب ثروتمند است.

دوم، انگیزشی، حومه‌نشینی غربی به وسیله آرزوی فرار از ناآسایشی مراکز شهری تشویق می‌شود و با زندگی در حومه‌های شهری امنیت می‌یابند؛ زندگی با کیفیت بالا به دست می‌آوردند و به روش دوستی خانوادگی از زندگی در مناظر درختی، محل‌های خصوصی و انحصاری برخوردار می‌شوند.

سوم، عملکردی، یعنی این که اشکال مختلف پیراشهری چه عملکردی دارند و چرا با مرکز شهر مرتبط‌اند، حومه‌های غربی مرکب از منطقه رفت و آمدی سکونت‌ی است که برای اشتغال و تأمین برخی خدمات به مرکز شهری وابسته‌اند (هیرت، اسکارپاسی: ۲۰۰۷: ۲۹۹-۲۸۸). پیراشهر، در کشورهای سرمایه‌داری تحت عنوان "شهرنشینی حومه"^۴ خوانده می‌شود.

۱-۱-۲- الگوی پیراشهری بارسلونا و بازسازی آن

طی دوره ۱۸۸۰ تا ۱۹۶۰، جمعیت شهر بارسلونا سه برابر رشد کرد و وسعت شهر گسترش یافت. موج مهاجران رانده شده از بسیاری نواحی فقیر اسپانیا به ویژه در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۶۰ برای پیدا کردن کار که در شهر یافت می‌شد، وارد بارسلونا شدند. اما فضای زندگی برای آن‌ها محدود بود و خودشان به تدریج و شبانگهان در فضایی پیرامون شهر، بین مراکز صنعتی و دریا، روی تپه‌ها کلبه‌های خود را بنا کردند که از نظر استحکام، امنیت و خدمات زیستی

^۱family friendly

^۲exclusive

^۳Hirt.S., Scarpaci.J.L.

^۴suburbanization

بسیار فقیر بودند و هراز چندگاهی امواج سهمگین دریا آن‌ها را تخریب می‌کرد. ساکنان این کلبه‌ها، در شهر بارسلونا و در بخش کارخانه‌ای، ساختمانی و خدمات کار می‌کردند و زندگی پر رنج و مرارتی داشتند.

از وسط دهه ۱۹۶۰ و مخصوصاً دهه ۱۹۷۰، ساکنان نواحی موسوم به "شانتی تاون"ها شروع به ساماندهی خودشان در راستای مطالبه حقوق شهروندی کردند؛ آن‌ها در خیابان‌ها و در برخورد با پلیس، برخی از مطالبات خود، شامل برق، آب و بهداشت اولیه را به دست آوردند؛ آنگاه درخواست آپارتمان کردند و بعد از سال‌ها کوشش آن‌ها را نیز به دست آوردند.

سه رویداد مهم بین‌المللی زمینه‌های اجتماعی و مالی برنامه‌ریزی و تغییرات مهم شهری در بارسلونا را فراهم آورد. نخست نمایشگاه بین‌المللی ۱۸۸۸، دوم نمایشگاه بین‌المللی ۱۸۲۹، سوم و از همه مهمتر بازی‌های المپیک ۱۹۹۲ در بارسلونا که مسبب ختم مسکن‌های شانتی تاون در بارسلونا شد (کانایسر، ۲۰۱۶: ۱-۷).

۲-۱-۲- الگوی پیراشهری استرالیا

در استرالیا، پیراشهرنشینی، فرآیند شهرنشینی پویا در ناحیه پیرامون کلانشهر است که درگیر دگرگونی کاربری اراضی نواحی روستایی پیشین است و ماهیتی نه روستایی اصیل و نه شهری کامل دارد (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۵-۳۳).

۲-۱-۳- الگوی پیراشهری در اروپای شمالی

بازدید صاحب این قلم در شهرهای برلین و هانوفر در آلمان و استکهلم در سوئد نشان می‌دهد که پیرامون این شهرها ساختمان‌های بزرگی، گاه تا ۱۰ طبقه دیده می‌شود که چون شرایط اجاره در آنجا مناسب است، به طور خودکار در اجاره پناه جویان درآمدی است. این ساختمان‌ها دارای فضای باغچه‌ای زیبا نبود؛ آسانسورها و پله‌های آن‌ها از نظافت کافی برخوردار نبود؛ و از بیرون ساختمان، لباس‌هایی که جهت خشک شدن روی بندهایی در تراس آویزان بود، خود نمایی می‌کرد در حالی که با کمی فاصله از همین ساختمان، ساختمان‌های مسکونی یک یا دو طبقه، با تجمل و باغچه‌های زیبا وجود داشت.

از نظر تاریخی، در سال ۱۸۶۰ نظام کاستی و اشرافیت در سوئد در اثر جنبش مردمی، کارگری، دموکراسی خواهی و حق رأی فروپاشید و تا ۱۹۸۰ دوران اصلاحات بود. در دوران اصلاحات و دموکراسی، تقسیم جغرافیایی در جامعه طبقاتی سوئد نسبت به بسیاری از دیگر جوامع طبقاتی کم‌تر به چشم می‌خورد. این تقسیم در سوئد به شکل مناطق وسیع فقیر یا ثروتمند نبود بلکه به شکل شهرک‌ها و محلات بزرگ که در سوئد کمون نامیده می‌شود و نزدیک‌ترین معادل فارسی آن ناحیه است، دیده می‌شد (تربورن، ۲۰۱۹: ۱۴۱).

اما از سال ۱۹۸۰، تاریخ ضد اصلاحات در سوئد قدرت گرفت و نابرابری در سوئد به سرعت و به طرز وحشتناکی در حال رشد است. در این کشور، حاشیه‌ها، محله‌هایی در شهرهای بزرگ هستند و به نوع قابل تفکیک‌اند.

^۱Shanty towns

نخست، حاشیه‌ها (کمون)های فقیرنشین؛ و دیگر، حاشیه‌ها (کمون)های سیاستمداران بوژوا و ثروتمندنشین. این نوع حاشیه، محل سکونت کسانی است که پول خود را در شرکت‌های بهشت مالیاتی مالت سرمایه‌گذاری کرده‌اند (تربورن، ۲۰۱۹: ۱۴۲).

۲-۲- پیراشهر در نظام‌های پیرامون سرمایه‌داری

ویژگی‌های مختلف پیراشهر نشینی در کشورهای پیرامون سرمایه‌داری عبارت است از:

نخست، جمعیت‌شناسی، شهرنشینی روستایی که در کشورهای در حال توسعه رایج است، روندی است که موجب حرکت سکنه فقیر نواحی به حاشیه شهرها می‌شود؛ اغلب این افراد آواره شدگانی هستند که در اثر مکانیزاسیون کشاورزی و گسترش کشت محصولات صادراتی به عنوان نیروی مازاد به حاشیه‌های از نظر اقتصادی متنوع شهرها روانه می‌شوند؛

دوم، انگیزشی، مهاجران ناحیه‌ای که در جستجوی کار در شهرهای بزرگ‌اند، روستاها را ترک می‌کنند، آن‌ها حاشیه شهری را به عنوان سنگ زیر پا در برخورداری از سکونت دائمی به کار می‌برند؛ و سوم، عملکردی، پیوند پیراشهر با مرکز شهری در حاشیه شهری کشور‌های پیرامون سرمایه‌داری، اشکال مختلفی دارد؛ پیوند اقتصادی آن‌ها با شهر مرکزی به مراتب پیچیده است؛ آن‌ها گاه متکی به کشاورزی هستند که پیوند آن‌ها را با روستاها برقرار کرده و زمانی برای اشتغال و نیز خدمات به شهر مرکزی وابسته و بدان در حال رفت و آمد هستند (هیرت، اسکارپاسی: ۲۰۰۷: ۲۸۸-۲۹۹). پیراشهرهای کشورهای پیرامون سرمایه‌داری "شهرنشینی روستایی"^۱ نامیده می‌شود.

۲-۲-۱- پیراشهر نشینی در آمریکای لاتین

در آمریکای لاتین، الگوهای مهاجرت اغلب، مهاجرت پله‌ای^۲ است به این معنی که ابتدا از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ ایالتی، آنگاه به شهرهای پایتختی مهاجرت می‌کنند، یا ممکن است مهاجر به طور مستقیم، خود را از دهکده روستایی به شهرهای پایتختی برسانند. این روندهای آمریکای لاتین غالباً به طور مکرر مهاجر را درگیر می‌کنند؛ آنان، ابتدا وارد خانه‌های اجاره‌ای در مرکز شهر می‌شوند که اغلب فقر پنهان^۳ نامیده می‌شود زیرا مکان زیست آنان پشت دیوارها و یا درون ساختارهای با اعتبار قرار گرفته که چهره واقعی آن‌ها پنهان و در مقابل، ظواهر خوب آن‌ها خودنمایی می‌کند. به این جهت حاشیه‌های شهری کشورهای پیرامون سرمایه‌داری را فقرایی تشکیل می‌دهند که ساکن محله‌هایی موسوم به زاغه‌های ناامیدی^۴ هستند (هیرت، اسکارپاسی: ۲۰۰۷: ۲۸۸-۲۹۹).

^۱ مالت کشور جزیره‌ای در دریای مدیترانه و جنوب ایتالیا قرار دارد که در آن کسب و کارهای خارجی تنها ۵ درصد مالیات بر سود پرداخت می‌کنند و به همین دلیل یکی از مقاصد سرمایه‌های جهانی است.

^۲ Rural urbanization

^۳ stair-step migration

^۴ disguised poverty

^۵ Slums of despair

۲-۲-۲- پیراشهرنشینی در شرق آسیا

از نظر "جان برودر" و همکاران ایشان (۳۲۷-۱۹۹۵:۳۱۰)، در کشورهای کمتر توسعه یافته شرق آسیا و در شهرهایی نظیر بانکوک، جاکارتا و سانتیاگو، هجوم جمعیت از طریق سه جریان مهاجرتی مستقیم از روستا به نواحی پیراشهری، مهاجرت گام به گام از شهر برای رسیدن به شهری دیگر و مهاجرت درون منطقه کلانشهری که اغلب از کلانشهر به سوی پیراشهر است، صورت می گیرد. بنابراین، ساکنان نواحی پیراشهری تنها مهاجران تازه وارد روستایی با درآمد کم نیستند بلکه بیشتر شهرنشینان با درآمد متوسط هستند که پیراشهر را به عنوان یک مرحله از فرآیند تکوینی مهاجرت روستا-شهری و فضای گذار اجتماعی تلقی می کنند. در عین حال در این منطقه، اغلب ساکنان را روستاییان کم درآمد با فعالیت های غیر رسمی تشکیل می دهد.

در کشورهای توسعه نیافته منطقه، پیراشهر با نقشه آشفته، بی سامان و چندعملکردی شناخته می شود (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۵-۳۳).

۲-۲-۳- پیراشهرنشینی در ترکیه

ترکیه در دهه ۱۹۵۰، مدل توسعه اقتصادی لیبرال را تجربه می کرد، در آن زمان، به صنعتی شدن و شهرنشینی در ترکیه اولویت داده می شد. در این دوره میزان بالایی از مهاجرت روستا به شهر، در اثر مکانیزاسیون کشاورزی و صنعتی شدن مشاهده شد و به دلیل شهرنشینی سریع، نیاز عمومی به مسکن همراه با تولید ناکارای مسکن، نیاز به مسکن افزایش یافت در نتیجه، به دلیل کسری زیاد بین تقاضای سالیانه مسکن و عرضه مسکن، مهاجرانی که بیشتر جمعیت جوان بودند، در مسکن های زاغه ای آرد پیرامون شهر یا خارج از مرزهای شهری در زمین های عمومی ساکن شدند.

در اواخر دهه ۱۹۶۰، کوشش هایی در راستای به رسمیت شناختن مسکن های زاغه ای صورت گرفت تا در وضعیت تأمین زیرساخت ها و خدمات بهبودی حاصل شود که در نتیجه آن، بسیاری سکونتگاه های زاغه ای به محله های مسکونی کم تراکم با زیر ساخت و برخی خدمات تبدیل شد.

از دهه ۱۹۸۰، اقتصاد ترکیه با گرایش به سیاست های نئولیبرالی، خصوصی سازی، تمرکز زدایی و اقتصاد آزاد و مقررات زدایی^۱ را در پیش گرفت. تحول سیستم اقتصادی به تحول برخی مساکن زاغه ای از ارزش مصرفی به ارزش مبادله ای منجر شد؛ ارزش زمین همراه با توسعه شهری افزایش یافت و قوانینی تصویب شد که راه حل هایی برای قانونی کردن تمام ساختمان های غیر مجاز از جمله زاغه ها باز کرد. در این قوانین آمده بود که خانه های موجود تا آنجایی که ممکن است، حفظ می شود اما تراکم آن ها افزایش یابد؛ در نتیجه خانه هایی که یک طبقه بودند به سه تا چهار طبقه ارتقاء یافتند. به این ترتیب، اکثر خانه های زاغه ای تخریب شد و به جای آن ها آپارتمان های جدید در پیرامون شهرها ساخته شد.

باز شدن اقتصاد به سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور منجر به تغییرات بزرگی در شکل بندی فضایی شهرها مخصوصاً در استانبول شد؛ مرکز شهر جابجا شد، زمین به سرعت برای تقاضاهای جدید نظیر بلوک های اداری، فروشگاه های بزرگ و هتل های پنج ستاره، کمپانی های ساختمانی که در پروژه های بزرگ مسکن در پیرامون

^۱ Broder, J.O
^۲ Squatters Houses
^۳ deregulated

شهر سرمایه گذاری می کردند، باز شد. بنابراین، گروه‌های پردرآمد، مرکز شهر را به دلیل کیفیت پایین نواحی درون شهری ترک کردند. آن‌ها متمایل به زندگی در پیراشهر، در فضای انحصاری با استاندارد بالای ساختمانی، زیرساخت‌های محیطی با کیفیت، تنوع فعالیت‌های اوقات فراغت و دارای دروازه شدند تا حداکثر آرامش را برایشان فراهم آورد (اکسویلو، ۲۰۱۵: ۴۱۵-۴۲۷).

۳-۲- پیراشهر در نظام‌های دارای الگوی برنامه‌ریزی مرکزی

ویژگی‌های مختلف پیراشهرنشینی در کشورهای دارای الگوی برنامه‌ریزی مرکزی عبارت بود از: نخست، جمعیت‌شناسی، پیراشهرنشینی در این کشورها، محصول جریان خروجی مرکز شهری نبود؛ نتیجه انتخاب سکونتی صورت گرفته به وسیله خانواده‌های طبقه بالای اجتماعی نبود بلکه مسکن متوسط سوسیالیست بود. در این کشورها، دو تیپ "حومه‌های سوسیالیستی" وجود داشت: نخست نواحی تبدیل شده به کلبه تابستانی، نظیر کلبه‌های روسی به عنوان خانه دوم و دهکده‌های بلغاری؛ و دوم، روستاهای پیرامون شهرهای بزرگ. منطقه نخست (خانه‌های دوم و ویلاها) مخصوص نخبگان سوسیالیست بود که محله‌های زندگی دائمی نبودند و به همین جهت سبب جمعیت‌زدایی مرکز شهر نشدند. دوم، انگیزشی، این نوع پیراشهرنشینی حاصل تصمیم‌سازی دولتی بود. سوم، کارکردی، این نوع پیراشهرها، در مواردی که به عنوان خانه‌های دوم نبودند، از نظر اقتصادی در پیوند با مراکز شهری بودند (هیرت، اسکارپاسی: ۲۰۰۷: ۲۸۸-۲۹۹). جدول شماره ۱، تنوع فضاهای پیراشهری را به اجمال نشان می‌دهد.

جدول ۱. تنوع فضاهای پیراشهری

شرح عوامل	عوامل مؤثر	نوع نظام
طبقه با درآمد بالاتر از مرکز شهر	جمعیت‌شناسی	نظام سرمایه‌داری پیشرفته (شهرنشینی حومه)
دسترسی زندگی با کیفیت بالا همراه با آسایش	انگیزشی	
وابسته به مرکز شهر برای اشتغال و خدمات	عملکردی	
مهاجران فقیر روستایی، مهاجرت مستقیم یا پله ای	جمعیت‌شناسی	نظام‌های سرمایه‌داری پیرامونی (شهرنشینی روستایی)
مکانیزاسیون و گسترش محصولات صادراتی	انگیزشی	
پیچیده، وابسته به شهر و نیز روستا و کشاورزی	عملکردی	نظام‌های برنامه‌ریزی متمرکز
نه مهاجران روستایی و نه جریان خروجی طبقه بالای شهری، بلکه روستاهای پیرامون شهر	جمعیت‌شناسی	
های بزرگ برای طبقه متوسط و کلبه‌های تابستانی برای نخبه‌های سوسیالیست	انگیزشی	
خواست دولت	انگیزشی	
روستاهای پیرامون شهرهای بزرگ از نظر اشتغال گاهی به شهر وابسته بودند	کارکردی	

۲-۴- پیراشهری پست سوسیالیستی

تحولاتی که در بلوک شرق روی داده، برحسب نوع نظام‌های اقتصادی و اجتماعی که برمی‌گزینند تحولات شهرنشینی و در نتیجه الگوهای پیراشهری آن‌ها متفاوت خواهد بود. هیرت و اسکارپاسی (۲۰۰۷: ۲۸۸-۲۹۹)، با مطالعه تطبیقی دو شهر هاوانا در کوبا و صوفیه در بلغارستان چنین اظهار نظر کرده‌اند: کوبا و بلغارستان تا ۱۹۹۰، کشورهای سوسیالیست با محدودیت شدید در دارایی خصوصی و توسعه سرمایه‌داری مستغلات بوده‌اند، جایی که واقعاً همه مسکن به وسیله دولت حمایت می‌شد. ولی امروز، دو کشور در مسیرهای اقتصادی و سیاسی متفاوتی قرار گرفته‌اند. کوبا هنوز یک دولت به نسبت سوسیالیستی است که در آن توسعه خصوصی تنها از طریق مشارکت دولتی با سرمایه خارجی صورت می‌گیرد، بلغارستان به طور کامل، سیستم بازار آزاد را پذیرفته است. حاشیه شهری هر دو شهر تا سال ۱۹۹۰، به نسبت به وسیله کمر بند سبز و زمین‌های کشاورزی محدود شده بودند. هیچ یک از پیرامون هاوانا و پیرامون صوفیه با پیرامون کشورهای سرمایه‌داری اشتراکات زیادی نداشتند. سبک غربی توسعه پیراشهری مجلل، در آنجا دیده نمی‌شد. از ۱۹۹۰، صوفیه به آرامی تیپ حومه مشابه کشورهای غربی را می‌سازد. در مقابل، هنوز در هاوانا ساخت و سازهای جدید بسیار محدود است.

آینده توسعه پیراشهری در این نظام‌ها، برحسب نوع توسعه آن‌ها می‌تواند یکی از سه سناریوی محتمل زیرین باشد: الف، تیپ غربی حومه‌سازی؛ ب، روستا نشینی شهری به عنوان "استراتژی بقای خانوار"؛^۳ و ج، شهرنشینی روستایی.^۳

۳- عوامل مؤثر در ایجاد فضاهای پیراشهری

عامل اصلی مؤثر در ایجاد و گسترش فضاهای پیراشهری، افزایش جمعیت، رشد شتابان شهری و در نتیجه خزش شهری است. پیشروی شهرها به سوی فضای پیرامونی حاصل دو فرآیند اجتماعی- فضایی است: نخست، تغییرات اقتصادی شامل تمرکززدایی منطقه‌ای و پیشروی فعالیت‌های شهری؛ و دوم، فرآیندهای اجتماعی شامل شهری شدن حومه و تمایل سکونت در حومه‌های شهری و پاد شهرنشینی؛^۴ که به مفهوم جابجایی جمعیت از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک و روستاها به منظور سکونت‌گزینی است (دانشپور، ۱۳۸۵). به عبارت دیگر، خزش شهری موجب ایجاد و بسط پیراشهرها می‌شود اما چرا نوع فضاهای پیراشهری بسیار متفاوت است؟ واضح است که نابرابری اجتماعی نقش اصلی را در گسترش و تنوع اشکال پیراشهری دارد. از این رو می‌توان به روندهای حذف اجتماعی به عنوان عوامل اثرگذار در گسترش و تنوع اشکال پیراشهری اشاره کرد. از جمله:

۳-۱- جامعه شبکه‌ای و جهانی شدن اقتصاد

روند حذف اجتماعی در ایالات متحده آمریکا، معلول چهارعامل ادامه داشته است:

^۱Western type suburbanization

^۲Urban ruralization as a "household survival strategy

^۳Rural urbanization

^۴Counter urbanization

الف، صنعت‌زدایی، تغییر جغرافیایی تولید صنعت و انتقال بخشی از روند تولید به سایر نقاط جهان سبب شده که شغل‌های کارگران نیمه ماهر که ستون فقرات کارگران آمریکا را تشکیل می‌داد، حذف شود. در نتیجه اتحادیه‌های کارگری تضعیف و کارگران از ابزار جمعی دفاع محروم شده‌اند؛

ب، فردی شدن و شبکه‌ای شدن فرآیند کار، کارگران به عنوان یک گروه، در اقتصاد اطلاعاتی در شرایط کاری قرار می‌گیرند که برای هریک از آن‌ها منحصر به فرد است و بدین ترتیب هریک از آنان را به عنوان یک فرد به دست سرنوشت خود می‌سپارد. از سوی دیگر، فرآیند چانه‌زنی برای کارفرمایان و کارگران به پراکندگی اعجاب‌انگیز تشکیلات کاری منجر می‌شود و به کارگرانی که دارای مهارت منحصر به فردی هستند، امتیاز تعیین‌کننده‌ای می‌دهد ولی در عین حال جایگزینی بسیاری از کارگران را میسر می‌سازد. چون الگوی کار مادام‌العمر پذیرفته نیست، کارگر موفق امروزی هم ممکن است فردا کارگر اخراج شده باشد حتی اگر از مهارت و تحصیلات بالایی برخوردار باشد. یعنی مهارت و تحصیلات عالی شرط لازم موفقیت است اما شرط کافی نیست. این نابرابری، توزیع نامتعادل درآمدها و دارایی‌ها را در پی دارد؛

ج، جذب زنان در بازار کار اقتصاد اطلاعاتی، جذب گسترده زنان در اقتصاد اطلاعاتی سبب شده که اقتصاد با هزینه بسیار کمتری به گونه‌ای کارآمدتر عمل کند. گرچه حقوق زنان تحصیل کرده افزایش چشم‌گیری داشته اما هنوز حقوق زنان به طور میانگین ۶۶ درصد حقوق کارگران مرد کمتر از آن‌هاست. این سبب شده که سهم کلی دستمزدها در کل تولید ناخالص داخلی کاهش یافته است؛ و

د، بحران خانواده پدرسالار، بحران خانواده پدرسالار که تاحدی به استقلال اقتصادی روزافزون زنان مربوط می‌شود، بر زندگی اکثر مردم، بویژه زنان و مادران اثر منفی داشته است. میزان فقر افرادی که در خانواده زندگی نمی‌کنند، از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴، ۲/۲ درصد (دو و دو دهم درصد) افزایش یافته و به ۲۱/۵ درصد (بیست و یک و نیم درصد) رسیده که ۱۴/۵ درصد (چهارده و نیم درصد) از کل فقرا را تشکیل می‌دهد. میزان فقر خانواده‌هایی که مسئولیت آنان برعهده زنان بود، نیز در همین دوره ۲/۲ درصد (دو و دو دهم درصد) افزایش داشته و در سال ۱۹۹۴ به ۳۸/۶ درصد (سی و هشت و شش دهم درصد) کل این خانوارها رسید. در نتیجه از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۳، تعداد کودکان سفید پوستی که در فقر زندگی می‌کنند، ۵۲/۶ درصد (پنجاه و دو و ششدهم درصد)، تعداد کودکان فقیر اسپانیایی تبار، ۱۱۶ درصد و تعداد کودکان فقیر سیاه پوست (بیست و شش و نه دهم درصد) ۲۶/۹ درصد افزایش یافته است (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۵۸-۱۶۰). عوامل مزبور سبب شده که در ایالات متحده آمریکا طی دو دهه اخیر نابرابری اجتماعی و قطبی شدن جامعه افزایش یافته است.

تجربه روند حذف اجتماعی در دوران شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای آمریکا، در سایر نقاط سرمایه‌داری جهانی می‌تواند گسترش یابد. زیرا اولاً، ایدئولوژی و سیاست مسلط بیشتر کشورهای سرمایه‌داری بر آزادسازی بازار، و انعطاف‌پذیری مدیریت در "سرمایه‌داری کردن دوباره سرمایه‌داری" تأکید می‌کند که دقیقاً بازتاب بسیاری از راهبردها، سیاست‌ها و تصمیمات مدیریتی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ آمریکا است؛ و دوماً، جذب روز افزون سرمایه، بازارها و شرکت‌ها در اقتصاد جهانی مشترک، قطع ناگهانی ارتباط با محیط نهادی-کلان اقتصادی مناطق دیگر را بیش از پیش دشوار می‌سازد، بویژه اگر یکی از این "مناطق دیگر" به بزرگی و اهمیت ایالات متحده در اقتصاد جهانی باشد. برای شرکت‌ها، سرمایه و بازارهای کار اروپایی و ژاپنی، کار کردن تحت قوانین متفاوت و با هزینه‌های تولید بیشتر از شرکت‌های مستقر در آمریکا منوط به برآورده شدن یکی از این دو شرط است. بازارهای این کشورها، از جمله بازارهای سرمایه و خدمات آنها، باید مورد حمایت قرار گیرند و یا بهره‌وری آنها باید بیشتر از شرکت‌های مستقر در آمریکا باشد. در صورتی که بهره‌وری نیروی کار آمریکا با وجود این که از نظر رشد بهره‌وری در دو دهه اخیر عقب مانده است، هنوز در مقایسه با سایر کشورها بالاترین میزان بهره‌وری در سطح جهان است (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

۲-۳- تفاوت بهره‌وری در تولید کشاورزی

کشاورزی سرمایه‌داری که اصل سودآوری سرمایه بر آن حاکم است و تقریباً به طور انحصاری در آمریکای شمالی، اروپا، مخروط جنوبی آمریکای لاتین و استرالیا متمرکز است، و تنها چند ده میلیون مزرعه‌دار را شامل می‌شود که دیگر نمی‌توان کلمه دهقان را به آنها اطلاق کرد اما قابلیت تولیدی آنها که ناشی از مکانیزاسیون و وسعت زمینی است که هر یک از آنها در اختیار دارند، منجر به برداشت محصولی بین ۱۰ هزار تا ۲۰ هزار کنتال^۱ غله یا معادل آن به ازای هر کارگر در سال می‌شود.

در مقابل کشاورزی‌های دهقانی که در آن نزدیک به نیمی از نفوس بشر، یعنی سه میلیارد انسان مشغول به کارند، این کشاورزی‌ها هم به نوبه خود به دو گروه تقسیم می‌شوند: یکی از آنها که از انقلاب سبز (کود، سموم دفع آفات و بذرهای اصلاح شده و مرغوب) بهره‌مند شده‌اند اما هنوز به ندرت مکانیزه هستند و کار تولیدی آنها به ازای هر کارگر بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ کنتال محصول در سال به دست می‌دهد و دیگر آنهایی که قبل از انقلاب سبز قرار دارند و کار تولیدی آنها به ازای هر کارگر تنها حدود ۱۰ کنتال محصول در سال به دست می‌دهد.

تفاوت بازده تولیدی در کشاورزی مجهز به پیشرفته‌ترین تجهیزات با کشاورزی فقیرانه دهقانی و فاصله بین آنها اکنون در مقایسه با گذشته بسیار بیشتر شده است و نسبت بین حجم محصول این دو که پیش از سال ۱۹۴۰ ده به یک بود، امروز دو هزار به یک است. به عبارت دیگر نرخ‌های رشد بازدهی تولیدی در کشاورزی، با اختلاف بسیار از

^۱ هر کنتال برابر یک صد کیلوگرم است.

نرخ‌های رشد سایر فعالیت‌ها بالاتر بوده است تا آنجا که منجر به کاهش قیمت‌های واقعی از ۵ به ۱ شده است (امین، ۱۳۸۶: ۳۷-۳۸).

۳-۳- روندهای سلب مالکیت

در چرخه اول چرخه‌های انباشت سرمایه (هاروی، ۱۳۸۷: ۲۸-۳۴)، سلب مالکیت‌های گسترده‌ای صورت می‌گیرد که می‌تواند به روند حذف اجتماعی بیانجامد. سلب مالکیت از دو طریق می‌تواند صورت گیرد: تعدی که عبارت است از افزایش سهم‌بری اقلیت برخوردار به قیمت محرومیت اکثریت نابرخوردار؛ و بهره‌کشی یعنی بهره‌برداری اقلیت برخوردار مستقیماً از دسترنج اکثریت نابرخوردار. روش‌ها و عواملی که سبب سلب مالکیت وسیع می‌شود، عبارتند از:

الف، تورم

تورم در حقیقت مالیاتی است که فقرا به اغنیا می‌پردازند (ابریشمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۸). زیرا کسانی که دارایی‌های غیرنقدی منقول یا غیرمنقول دارند، در فرایند ایجاد تورم نه تنها قدرت خریدشان را از دست نمی‌دهند، بلکه به اعتبار این تورم دست کم ارزش اسمی داشته‌هاشان فزونی می‌گیرد. برعکس، کسانی که حقوق‌بگیر و دستمزدبگیر و صاحبان دارایی نقدی هستند، در اثر تورم عملاً قدرت خریدشان را از دست می‌دهند. یعنی تورم باعث انتقال منابع از اکثریتی (فقرا) به اقلیتی (اغنیا) می‌شود.

ب، کالایی‌سازی آموزش عالی و مراقبت‌های بهداشتی

در روند کالایی‌سازی آموزش عالی (لوی دو، ۱۳۹۴: ۲۴۳-۲۵۲)، چیزی که از توده‌ها سلب می‌شود، حق برخورداری از خدمات آموزش عالی رایگان است. در اثر این روند، دو گروه آسیب می‌بینند: آن دسته از دانشجویان و خانواده‌هایشان که به ازای خدمتی که دریافت می‌کنند، پول می‌پردازند؛ و آن دسته از جوانانی که به علت سد شدید شهریه‌ها اصلاً وارد جرگه دانشجویان نمی‌شوند و جای خود را ناخواسته به کسانی می‌سپارند که به یمن توانایی پرداخت شهریه وارد دانشگاه شده‌اند (مالجو، ۱۳۹۳).

مراقبت‌های بهداشتی که مستلزم هزینه بر حسب سرانه افراد است و از سوی دیگر در اماکنی که زیرساخت‌های زیستی مناسبی ندارند، هزینه بیشتری را تحمیل می‌کند، سبب می‌شود که روند فقیر شدن فقرا تشدید شود.

ج، فساد اقتصادی

وقتی فساد اقتصادی در بدنه دولتی به وقوع می‌پیوندد، فاسدان اقتصادی مستقیماً به منابع اقتصادی یا فرصت‌هایی دسترسی پیدا می‌کنند، در مقابل اکثریتی زیان می‌بینند. وقتی فساد اقتصادی گسترش می‌یابد، رابطه قدرت بین شهر و روستا به نفع شهر تغییر می‌یابد. زیرا اکثریت روستاییان کسانی نیستند که از طریق روابط فساد آمیز به ثروتی دست یابند بلکه گروه‌هایی که با توسل به روابط فساد، صاحب ثروتی می‌شوند، اغلب ساکن مراکز شهری هستند (مالجو، ۱۳۹۳).

د، تشکل ستیزی

تشکل ستیزی از ویژگی‌های نظام‌های نولیبرالی است (دو منیل، لوی، ۱۳۹۴: ۲۵-۲۸) که هویت جمعی حامی منافع صنوف و کارگران را به رسمیت نمی‌شناسد. در این سیستم، نیروهای کار با این سازوکار دچار سلب مالکیت شده و از حق برخورداری از تشکل مستقل شان محروم می‌شوند و قدرت چانه‌زنی خود را از دست می‌دهند (مالجو، ۱۳۹۳).

ه، موقتی‌سازی قراردادهای کاری

در نظام‌های نولیبرال فقدان تضمین کار دائم و ناامنی شغلی از جمله ترندهایی است که گروه‌های مستخدم را از توان چانه‌زنی و قدرت اجتماعی محروم می‌کند و به آن‌ها در احقاق حقوق خود اجحاف روا می‌دارد (مالجو، ۱۳۹۳).

و، خصوصی‌سازی

بر اساس روند خصوصی‌سازی در جهان، انتقال مالکیت دارایی‌ها تنها بخشی و در مواردی بخش کوچکی از فرآیند خصوصی‌سازی را تشکیل می‌دهد. در گذشته، اغلب در مواردی که دولت‌ها با کسری بودجه روبرو می‌شدند، بخشی از اموال دولت را می‌فروختند و از طریق آن کسب درآمد می‌کردند اما استفاده از واژه خصوصی‌سازی به معنای آن چیزی که امروز از آن یاد می‌شود، به اوایل دهه ۱۹۸۰ و روی کار آمدن دولت‌های محافظه کار در انگلستان و آمریکا و اجرای برنامه‌های تعدیل ساختاری در کشورهای در حال توسعه باز می‌گردد (افراخته، ۱۳۹۷: ۲۹).

اجرای سیاست خصوصی‌سازی اغلب کشورها موجب افزایش کارایی در اقتصاد نشد (گلاب، ۱۳۹۶: ۹۹-۱۰۸) بلکه کشورها را با پدیده بیکاری مداوم مواجه کرده که هرگز قبلاً دیده نشده بود (دنیای اقتصاد، پانزده فروردین ۱۹۶۱). این سیاست‌گذاری سبب بیکاری قشرهای زیادی از مردم شده و به روند حذف اجتماعی کمک می‌کند.

۴- پیامدهای گسترش فضاهای پیراشهری

در همه دنیا شهرها به فضاهای پیرامونی هجوم آورده‌اند و رشد مصرف فضا به مراتب بیشتر از رشد جمعیت شهرها است (برنارشاریه، ۱۳۷۳: ۲۴۵). رویایی شهر-روستا-طبیعت، عواقبی در بر دارد که گاهی به عنوان مسائل و پیامدهای منفی بروز می‌کند و زمانی به عنوان پتانسیل نگریسته می‌شود. از جمله:

۴-۱- پیامدهای منفی

۴-۱-۱- نارسایی‌های خدماتی

- دسترسی‌های نامناسب مثل ضعف خدمات آموزشی، بهداشتی، رفاهی و زیر بنایی؛
- سوداگری زمین و فضای ساخته شده، فعالیت‌های غیررسمی؛
- مزاحمت تخلیه پسماندهای مایع و جامد شهری در فضاهای پیراشهری؛
- مزاحمت گسترش فعالیت‌های مزاحم شهری در فضاهای پیراشهری؛
- استفاده غیر رسمی/غیر قانونی از منابع طبیعی در تولید مواد ساختمانی؛
- به کارگیری نیروی کار مهاجر قانونی/غیر قانونی در فعالیت‌های تولیدی؛

۴-۱-۲- تغییر ساختار کاربری زمین

تغییر ساختار کاربری زمین و کاهش، یا از بین رفتن فعالیت‌های تولیدی که کشاورزی به نفع ساختمان به قهقرا می‌رود و فرودگاه‌ها فضای پیرامونی را می‌بلعد (برنارشاریه، ۱۳۷۳:۲۴۵). در کشورهای غربی که ویلا نشینی توسعه یافته، یک واحد ساختمانی ویلایی، شش تا هفت برابر یک واحد مسکونی آپارتمانی فضا مصرف می‌کند (برنارشاریه، ۱۳۷۳:۲۴۵). در نتیجه، فعالیت‌های مولد در معرض تهدید قرار می‌گیرد. در کشورهای اروپای شمالی قانونی وجود دارد که زمین‌های حومه را به جامعه محلی با قیمت مساوی در اولویت قرار می‌دهد تا در آن کشاورزی کنند اما باز هم برتری سودآوری فعالیت‌های خدماتی سبب بروز تخلف می‌شود. مثلاً زمین را کشت نمی‌کنند تا بوته تمشک آنجا را فرا گیرد و همسایگان در دردسر باشند، آنگاه، آن را با تغییر کاربری بفروش می‌رسانند (برنارشاریه، ۱۳۷۳:۲۶۵)؛

۴-۱-۳- نارسایی‌های سازمانی

مشکل نارسایی سازمانی (شامل یکپارچه نبودن ساختار سازمانی، تلاقی نهادهای همپوش دارای کارکرد بخشی، ناهماهنگی درون و بین سازمانی، وجود نهادهایی که بندرت توان مدیریت یکپارچه و هماهنگی محیطی را دارند که با افزایش تضاد بین رفاه منافع فردی/گروهی، چون مالکان و سوداگران و جمع، بر شکل و میزان استفاده از فرصت‌ها و تملک منابع محیطی اثر گذارند) (دانشپور، ۱۳۸۵)؛

۴-۱-۴- تخریب منابع طبیعی

اثرات پدیده جدید پیراشهر نشینی (اجتماعات دروازه‌دار)، در ترکیه اغلب در اراضی حساس مکان گرفته‌اند. این نواحی مسکونی، به عنوان برنامه‌های محلی مستقل از برنامه‌های جامع شهرها طراحی می‌شوند. در نتیجه، سبب خزش شهری شده و یک ساختار تفکیک شده‌ای به وجود آورده که منابع طبیعی نظیر جنگل، حوضه‌های آبی، زمین‌های کشاورزی و غیره را تهدید می‌کند؛ و مسئله جدیدی در پیرامون شهرهای کلانشهری ایجاد شده که موجب نگرانی است (اکسویلو، ۲۰۱۵: ۴۱۵-۴۲۷).

۴-۲- پیامدهای مثبت

روستا نشینی شهری فرصت‌های تعامل جمعیتی- اقتصادی متنوع‌تری به وجود می‌آورد که می‌تواند بر کیفیت زندگی فقرا اثر مثبت داشته باشد. اگر چنین نبود، فضاهای پیراشهری شاهد انبوه جمعیت نبودند، آنچه به عنوان "استراتژی بقا" اشاره شد، نشان می‌دهد که شهر نشینی روستایی بهترین انتخابی است که در اختیار فقرا قرار دارد. از سوی دیگر اغنیا، زندگی در حومه‌های مجلل و استفاده از هوای پاک و محیط با آرامش و آسایش را حق طبیعی خود می‌دانند و زندگی در پیراشهرهای با شکوه را امری مثبت تلقی می‌کنند آنان که با وجود بزرگراه‌ها و برخوردار از سیستم حمل و نقل شخصی مشکلی در دسترسی به مکان کار و تأمین نیازهای خدماتی خود ندارند.

نتیجه‌گیری

افزایش جمعیت، رشد شتابان شهر نشینی و خزش شهری عامل آشکار تولید فضاهای پیراشهری است. اما همانگونه که عامل اصلی و آشکار تغییرات اقلیمی به عنوان معضلی جهانی، به طور ساده به گازهای گلخانه‌ای نسبت داده می‌شود، در صورتی که پشت این معضل، روندهای اجتماعی، اقتصادی زیادی نهفته است، شکل و گوناگونی فضاهای پیراشهری هم وابسته به روندهای اجتماعی، اقتصادی ناظر بر کشورها است. روندهای اجتماعی، اقتصادی نابرابر ساز و حذف اجتماعی نقش اصلی در تنوع اشکال پیراشهری به عهده دارد. در اقتصاد شبکه‌ای همراه با تکنولوژی اطلاعات، در مرهم نئولیبرالیسم اقتصادی نمی‌توان انتظار بهبودی در وضع موجود داشت، چیزی که نمونه‌های اروپای شمالی و نیز کشورهای پشت کرده به نظام‌های با برنامه‌ریزی مرکزی آن را به وضوح نشان می‌دهد. با این همه، تا دهه ۱۹۹۰، که تحلیل و برنامه‌ریزی شهر و پیرامون مبتنی بر رویکرد جداسازی عناصر و عوامل اثر گذار بر دگرگونی آن محیط بود، مدیریت یکپارچه شهر و محیط پیرامون با دشواری مواجه بود. امری که نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی جامع شهری منطقه‌ای که تنها بر رویکرد تحلیل فضایی و پوزیتیویستی متکی نباشد، بلکه با ترکیب مناسبی از روش‌ها و ابزار موجود در آن و در نظر گرفتن روندهای سیاسی، تاریخی، اجتماعی و اقتصادی تدوین و اجرا شود، می‌تواند موجب بهبودی در وضعیت موجود شود. رواج سوداگری زمین و فعالیت‌های غیر رسمی، گرچه حاصل تحولات شهرنشینی است، اما سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی و نحوه نظارت آنها می‌تواند نقش سازنده‌ای داشته باشد زیرا همانگونه که "فردریک لیست" بیان می‌دارد، دفاع از تجارت آزاد نامحدود برخواسته از طبیعت تاجر است حتی اگر اعمال او کاملاً در جهت مخالف منافع تجارت کشورش باشد، هیچ وقت نباید به تاجر خرده گفت. زیرا او نسبت به آسیبی که به بنیه تولیدی کشور می‌زند، اعتنایی ندارد. به اصطلاح "کبک تاجر وقتی خروس می‌خواند که پول درآورد" (شاکری، ۱۳۹۵: ۱۹۰). این سیستم اداره و نظارت امور است که می‌تواند ساختار نهادی را به گونه‌ای سامان دهد تا در عین حال که راه را برای ابتکارات شخصی و انگیزش‌های فردی سد نکند، تلاش‌های افراد و سازمان‌ها در مسیر حداکثرسازی منافع، با منافع بلند مدت و مصالح توسعه ملی هم راستا باشد.

منابع

- افراخته، حسن . ۱۳۹۷. اقتصاد روستایی ایران (نظام تولید). سمنان، انتشارات جبهه رود.
- افروغ، عماد . ۱۳۷۷. فضا و نابرابری اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- امین، سمیر. ۱۳۸۶. جنگ دائمی و آمریکایی کردن جهان (ویروس لیبرال). ترجمه ناصر زرافشان، تهران، انتشارات آزاد مهر.
- ابریشمی، حمید؛ درودیان، حسین؛ نوری، مهدی . ۱۳۹۲. چالش‌های اقتصاد ایران (تقابل دیدگاه‌های رقیب). تهران، نور علم.
- برنارشاریه، ژان . ۱۳۷۳. شهرها و روستاها. ترجمه سیروس سهامی، مشهد، نشر نیکا.
- تربرون، یوران . ۲۰۱۹. فرجام سوسیال دموکراسی و دولت رفاه (جامعه طبقاتی سوئد: حال و آینده). ترجمه سیاوش جاویدی، سوئد، انستیتوی اتحادیه کاتالیز.

- دانشپور، زهره. ۱۳۸۵. تحلیل نابرابری فضایی در محیط پیراشهری، کوشش در استفاده از رهیافت برنامه ریزی و مدیریت راهبردی در تهران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۸: ۵-۱۴.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ صرافی، مظفر؛ آشنایی، تکتم. ۱۳۹۵. تحولات پیراشهر نشینی در هاله کلان شهری تهران در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ خورشیدی به سوی توسعه ای سازنده یا گسترشی پراکنده؟. دو فصلنامه نامه معماری و شهرسازی، شماره ۱۶: ۵-۳۳.
- سعیدی، عباس. ۱۳۸۴. روابط شهر و روستا و پیوندهای روستا-شهری، یک بررسی ادراکی. مجله جغرافیا، نشریه انجمن جغرافیایی ایران، شماره ۱: ۷۱-۹۰.
- سعیدی، عباس. ۱۳۷۷. مبانی جغرافیای روستایی. تهران، انتشارات سمت.
- شاکری، عباس. ۱۳۹۵. مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران. تهران، انتشارات رافع.
- شبلینگ، ژ. ۱۳۷۷. جغرافیا چیست؟. ترجمه سیروس سهامی، مشهد، انتشارات محقق.
- فرید، یداله. ۱۳۶۸. جغرافیا و شهر شناسی. تبریز، دانشگاه تبریز.
- کاظمیان، غلامرضا؛ ضیایی، محمود؛ امیری، مقصود؛ مرادی، حسین. ۱۳۹۷. ارائه الگویی برای مدیریت مناطق پیراشهری کلانشهر تهران. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، شماره ۲: ۳۶۱-۳۷۸.
- کاستلز، مانوئل. ۱۳۸۹. عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ پایان هزاره. ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، جلد سوم، چاپ ششم، تهران، انتشارات طرح نو.
- گلاب، سمانه. ۱۳۹۶. فرجام یک اقدام، نگاهی به نتایج خصوصی سازی در ایران. چشم انداز ایران، شماره ۱۰۲: ۹۹-۱۰۸.
- دومنیل، ژرار؛ لوی، دومینیک. ۱۳۹۴. ضد انقلاب نئولیبرال، نئولیبرالیسم (خوانش انتقادی). تدوین، آلفردو سعد فیلهو دپورا جانسون، ترجمه میرجواد حسینی، مریم اسماعیلی دورباطی، زهرا امیری، آبادان، نشر پرسش: ۲۵-۳۷.
- راغفر، حسین؛ سلطانی، احسان. ۱۳۹۸. بنیان های نئولیبرالی تحریم های اقتصادی، سخنرانی در مؤسسه دین و اقتصاد، تهران.
- لوی دو، لس. ۱۳۹۴. بنامه های نئولیبرالی برای تحصیلات عالی، نئولیبرالیسم (خوانش انتقادی). تدوین، آلفردو سعد فیلهو دپورا جانسون، ترجمه میرجواد حسینی، مریم اسماعیلی دورباطی، زهرا امیری، آبادان، نشر پرسش: ۲۴۳-۲۵۲.
- مالجو، محمد. ۱۳۹۳. زنجیره انباشت سرمایه در ایران/ آیا اقتصاد ایران سرمایه دارانه است؟، سخنرانی در مؤسسه پرسش، یکشنبه، پنجم بهمن، ساعت ۰۹:۵۴.
- هاروی، دیوید. ۱۳۸۷. شهری شدن سرمایه. ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران، نشر اختران.
- Aksoylu, Sevin. 2015. **Development of the Urban Periphery and Issues Related to Urban Landscape Due to Gated Communities**, Anadolu University, Eskişehir, Turkey, August 2015, Vol. 5, No. 8, 415-427 doi: 10.17265/2160-6579/2015.08.004.
- Browder, J. O.; Bohland, J. R. & Scarpaci, J. L. 1995. "Patterns of development on the metropolitan fringe; urban fringe expansion in Bangkok, Jakarta, and Santiago", Journal of the American Planning Association, vol. 61, no. 3, pp. 310-327.
- Cliff, Tom. 2013. "Peripheral Urbanism", China perspective, No. 2013 / 3:13-23.
- Carnicer, Alonso, 2016. **Recovering the memory of Barcelona's shanty towns, a paper presented at IAFOR international Conference on the City**, Barcelona, Spain, July 16-18:1-7.
- Davoudi, S. .2008. **Conceptions of the city- region: a critical review**. Urban design and planning, XX Issue DPX DPX:1-11.

- Dembski, Sebastian, Bäing Andreas Schulze, Sykes Olivier .2017. **What about the Urban Periphery?** The Effects of the Urban Renaissance in the Mersey Belt, Comparative Population Studies, Vol. 42 . 219-244.
- Hirt.S., Scarpaci.J.L. .2007. **Peri-Urban Development in Sofia and Havana: Prospects and Perils in the New Millennium**, University of Georgia, Center for the Study of Cuban Culture & Economy.
- Hite Jim, .1998. **Land use conflicts on the urban fringe: causes and potential resolution**, the Strom Thurmond Institute, Clemson University, Clemson.
- Johnston,R.J., Gregory. D., Smith,D.M. 1994. **The dictionary of human geography**, third edition, Blackwell published Ltd.
- Ralph E et all, .2001. **Development at urban fringe and beyond: Impacts on agricultural and rural land Us**, department of agriculture, agricultural economic report, No 803, June 2001.
- Robert L et all.2004. **Protecting and managing private farmland and public greenways in the urban fringe**, Journal of landscape and urban planning, No 68:183-198.
- -Tomas. Kevin, .2005. **A future for the rural urban fringe, new basis for developing the countryside around towns**, Scholl of built environment, Leeds metropolitan university, Leeds, LS2: 1-7. a paper for conference of AESOP Vienna, 2005.
- -Webster, Douglas .2002. **"On the Edge: Shaping the Future of Peri-urban East Asia"**, Asia/ Pacific Research Center, Stanford University, <http://APARC.stanford.edu>.